

نظریه برنامه‌ریزی شهری (۱)

«مجموعه مقالات»

ویراستاران: اسکات کمپل و سوزان فانیشتاین

تهران؛ ۱۳۸۸

ناشر: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری

مترجم: عارف اقوامی مقدم

با تحولات شهر انطباق می‌یابد که این به نوبه‌ی خود به وسیله‌ی برنامه‌ریزی و سیاست دگرگون می‌شود. سؤال اصلی نویسندگان این است که برنامه‌ریزی چه نقشی را می‌تواند در توسعه‌ی شهر و منطقه در چارچوب محدودیت‌های اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری و نظام سیاسی دموکراتیک باز می‌نماید؟

برنامه‌ریزی دخالتی هدفمند برای تغییر روند جاری رویدادهاست. زمان‌بندی و مشروعیت مداخله‌ی برنامه‌ای، پرسش‌های محوری نظریه‌ی برنامه‌ریزی است.

این کتاب در شش بخش تدوین شده است، که هر بخش دارای مقدمه‌ای کوتاه در خصوص موضوعات اصلی است. در این کتاب سعی شده است که خواننده را با بنیان‌های برنامه‌ریزی مدرن، سنتی و دیدگاه‌های اقتصادی از تاریخ برنامه‌ریزی آشنا سازد. در این خصوص به دو سؤال مرتبط: توجیه دخالت برنامه‌ریزی و این که برنامه‌ریز چگونه باید دخالت نماید، جواب داده می‌شود. با در نظر گرفتن توجیهات اقتصادی و سیاسی برای برنامه‌ریزی، در مقالات تدوین شده، مباحث نئوکلاسیک، نهادی و مارکسیستی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ این مباحث، برنامه‌ریزی را در زمینه‌ی کلان ارتباط بازار خصوصی و دولت (محلی و ملی) قرار می‌دهند. مقالات بخش نخست، مبانی برنامه‌ریزی مدون را مورد بررسی قرار می‌دهند. این مقالات دیدگاه‌های سنتی و انتقادی از تاریخ برنامه‌ریزی را ارائه می‌کنند. این بخش با گزیده‌ای از بررسی رابرت فیشمن از سه چهره‌ی شاخص: ابنز هوارد، فرانک لوید

کتاب نظریه‌ی برنامه‌ریزی شهری (۱) که توسط اسکات کمپل و سوزان فانیشتاین ویراستاری شده و به وسیله‌ی عارف اقوامی مقدم به فارسی برگردانده شده است، حاصل کار نویسندگان ذیل می‌باشد:

رابرت فیشمن، رابرت فیشمن، ریچارد ای، فولگسونگ، جان فریدمن، دیوید هاروی، پتسی هیلی، جین جیکوبز، کلوترمن، ست رایدلی، ریچارد تست، دیوید سی. پری، جیمز سی. اسکات و ویلیام اچ. ویلسون می‌باشند. که هر یک با ارائه‌ی مقالاتی به غنای کتاب افزوده‌اند. این کتاب در مقدمه به بحث ساختار و مسائل نظریه‌ی برنامه‌ریزی که به وسیله‌ی اسکات کمپل و سوزان فانیشتاین نوشته شده است. آن‌ها معتقدند که:

نظریه‌ی برنامه‌ریزی مبهم و فرار است. برنامه‌ریزی از انواع رشته‌ها بهره‌برداری نموده و فاقد قاعده‌ای عام به شکل گسترده می‌باشد. این کتاب اهدافی دوسویه را دنبال می‌نماید: ۱- تعریف حدود قلمرو تحقیق و آثاری که جایگاه محوری در آن دارند و ۲- مواجهه با مسائل اساسی که پیش روی برنامه‌ریزان به عنوان نظریه‌پرداز و متخصص قرار می‌گیرد. این کتاب نه براساس بسط تاریخی قلمرو برنامه‌ریزی بلکه براساس سؤالات مؤلفین سازمان یافته است. این سؤال که نظریه‌ی برنامه‌ریزی چیست؟ تعریف نظریه‌ی برنامه‌ریزی سهل نیست، نظریه‌ی برنامه‌ریزی لغزنده است و تبیین‌ها به شکل یأس‌آوری توتولوژیک و کسل کننده هستند. نظریه‌ی برنامه‌ریزی در ملتقای ثانوی شهر به عنوان یک پدیده و برنامه‌ریزی به عنوان فعالیت انسانی نیز قرار می‌گیرد. برنامه‌ریزی



است. البته برنامه‌ریزها، به مثابه راهزنانی با ثروت‌های افسانه‌ای و قدرت زیاد، از ایجاد هماهنگی میان خورد و شهر عاجز هستند.

مقاله‌ی ریچارد سنت با عنوان شهر خنثی است. این مقاله با دیدی نهیلیستی و از هیچستان (utopia) شروع می‌کند. مسائل فرهنگی شهر به طور متعارف، غیر شخصی بودن، مقیاس بیگانه‌کننده و بی‌روح بودنش است. این مسائل متنوع‌تر از آن است که در ابتدا به چشم می‌آید. غیر شخصی بودن، خشکی و پوچی، واژگان اصلی در زبان پروتستانی از محیط است. این واژه‌ها آرزوی پوچی و بی‌ارزشی فضا را بیان می‌کنند. واژه‌هایی که علقه‌های معینی را در دیدن بیان می‌کنند، درک پوچی جهان خارج، ارزش چرخش به درون را تقویت می‌کند.

مقاله‌ی جان فریدمن و با عنوان الگو ناقلیدسی در برنامه‌ریزی است. مفهوم متعارف برنامه‌ریزی به شکل عمیقی به الگوی اقلیدسی مرتبط است، به نحوی که چشم‌پوشی از آن به معنای کنار گذاشتن ایده‌ی برنامه‌ریزی خواهد بود.

در چارچوب پیوستار جدید زمان واقعی و فضای محلی الگوی برنامه‌ریزی ناقلیدسی می‌تواند دارای پنج مشخصه باشد. الگوی مذکور می‌تواند هنجاری، نوآورانه، سیاسی، تعاملی و مبتنی بر یادگیری اجتماعی باشد.

و سایر مقالات که قابل تأمل است این کتاب برآیند نظریه‌های مهم در حوزه‌ی برنامه‌ریزی شهری در قرن بیستم است و ترجمه‌ی خوبی از آن به عمل آمده است که انشاءالله برای خوانندگان مفید خواهد بود. مترجم نیز به خوبی از عهده‌ی ترجمه برآمده است و با رعایت امانتداری سعی کرده است که قالب معانی کتاب قرار گیرد.

رایت و لوکو رپوزیه، تاریخ برنامه‌ریزی آغاز می‌شود.

فیشمن به منظور بررسی تاریخ اجتماعی اتوپیاها به آن سوی گزارش‌های متعارف از این سه تن می‌پردازد. گرچه هر سه تن به واقعیت شهرهای صنعتی کثیف واکنش نشان دادند. هر یک اساساً راه کاملاً متفاوتی را در طراحی جامعه‌ی شهری آرمانی خود پیش گرفتند. شهر درخشان لوکوپوزیه کلان - مقیاس، تراکم، عمودی و سلسله مراتبی - بسط اجتماعی معماری مدرن بود. رایت مقیاس دیگری را در پیش گرفت. شهر پهن - پیکر وی ترکیبی از فردگرایی روستایی جفرسونی و حومه‌نشینی مرغزاری بود که به کلان - بزرگراه متصل می‌شد. باغ شهرهای هوارد مقیاسی میان شهر درخشان و شهر پهن - پیکر داشت. روستاهای خود اتکاء با جمعیت ۳۵۰۰۰ نفری که به واسطه‌ی روح تعاون اجتماعی برپا می‌شدند. هر سه اتوپیا گزینه‌های بنیادین در مقیاس سکونتگاه‌های انسانی را نمادینه می‌ساختند: گزلفاشافت انبوه لوکورپوزیه، گماین شافت روستاگونه‌ای هوارد، یا فردگرایی آمریکایی رایت. این مقاله به هوارد و لوکورپوزیه متمرکز است.

مقاله‌ی ویلیام اچ، ویلسون در خصوص جنبش شهرزیا است. طرح شیکاگو (۱۹۰۹) اثر عامی بدنهام و تبت، بلوغ جنبش زیباشهر را نمادینه می‌سازد. بوروکراتیزاسیون و حرفه‌ای شدن قلمرو برنامه‌ریزی و دیگر کارکردهای دولت‌های شهری به یکسان پیام‌آور شهرزیا بودند. مقاله‌ی جین جیکوبز با عنوان سیاست و مرگ شهرهای بزرگ آمریکایی است.

شهرها آزمایشگاه بزرگ آزمون و خطا، شکست و موفقیت در شهرسازی و طراحی شهری هستند. استفاده از خودرو به راحتی مسئول تباهی شهرها، نومیدی و دلسردی از برنامه‌ریزی شهری قلمداد می‌شود. با این حال اثرات مخرب آن بسیار کمتر از ناشایستگی ما در شهرسازی